

## اقتصاد اخلاقی تکلیف‌مدار، بخش محوری برای حل مشکلات اقتصادی (رویکرد تاریخی - اسلامی)

احمدعلی یوسفی<sup>۱</sup>

### چکیده

اقتصاد خصوصی براساس مبانی نظام سرمایه‌داری سامان یافته و اجرا گردید. اما عرصه اقتصادی با مشکلات فراوانی مواجه شد. اجتماع‌یون دولتی چاره را در حذف مالکیت خصوصی و عدم پیگیری سود دانستند و اقتصاد دولتی را سامان دادند. اما آنان نیز موفقیتی نداشتند. سرانجام برای حل مشکل اقتصاد، اقتصاد مختلط دوبخشی دنبال شد. ولی آن نیز نتوانست چاره‌ساز باشد. در چند دهه اخیر راه‌حل را پیگیری اقتصاد بخش خیرخواهانه در کنار سایر بخش‌ها دیدند. اما این بخش نیز قادر به حل مشکلات اقتصادی نشد.

این تحقیق معتقد به لزوم هر سه بخش اقتصادی است. اما حل مشکلات اقتصادی با تاسیس بخش اقتصادی اخلاقی تکلیف‌محور در کنار سه بخش دیگر ممکن خواهد بود. اقتصاد تعاونی با ارایه اصول و ارزش‌های اخلاقی و نیز تجربه موفق تاریخی، تا حد زیادی می‌تواند عهده‌دار این امر باشد.

به همین جهت در این نوشتار، اقتصاد اخلاقی تکلیف‌مدار نامیده شد. بعد از تبیین اجمالی ابعاد اقتصاد تعاونی، تمایزات آن با سه بخش دیگر اقتصاد مشخص می‌گردد و سرانجام برای حل مشکل اصلی، اقتصاد مختلط چهاربخشی با محوریت اقتصاد تعاونی به عنوان اقتصادی اخلاقی تکلیف‌مدار، پیشنهاد می‌شود.

**واژگان کلیدی:** اقتصاد تعاونی، اقتصاد خصوصی، اقتصاد دولتی، اقتصاد خیرخواهانه، اقتصاد تکلیف‌مدار.

---

۱. دانشیار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

### مقدمه

بر اساس تقسیم‌بندی‌های موجود، اقتصاد به دو بخش خصوصی و دولتی تقسیم می‌شود. برخی در کنار این دو بخش، بخش سوم را نیز مدعی هستند و آن را بخش اقتصاد بدون سود، اخلاقی یا خیرخواهانه می‌نامند. از چه زمانی و چگونه این بخش‌ها به وجود آمدند؟ آیا این بخش‌ها مشکلات اقتصادی بشر را حل کرده‌اند؟ آیا آموزه‌های نظام سرمایه‌داری، ظرفیت لازم برای تحقق هر سه بخش را دارند؟ آیا با وجود این بخش‌ها کاستی خاصی در اقتصاد مشاهده می‌شود که مانع رفع مشکلات اقتصادی می‌شود؟

این تحقیق، برای پاسخ به پرسش‌های پیشین، ابتدا بخش خصوصی، دولتی و بدون سود را با نگاه تاریخی و بیان ویژگی‌های آنها معرفی می‌کند.<sup>۱</sup> آنگاه کاستی در اقتصاد را با وجود این سه بخش نشان می‌دهد و مشخص می‌کند که آموزه‌های نظام سرمایه‌داری ظرفیت حقیقی برای تحقق این سه بخش را ندارند. سپس راه‌حل خود را در رفع این کاستی تحت عنوان اقتصاد اخلاقی تکلیف‌مدار با نگاه تاریخی و متکی بر آموزه‌های اسلامی، ارائه می‌نماید.

فرضیه تحقیق عبارت است از:

اقتصاد تعاونی واقعی، اقتصاد اخلاقی تکلیف‌مدار است که با سه بخش دیگر اقتصاد، نقاط تمایز واضحی دارد.

روش تحقیق، تحلیلی و توصیفی است. در این روش، متن اصلی تحقیق محتوای منابع مطالعاتی اقتصاد تعاونی و مآخذ اسلامی است که با تحلیل‌های عقلی-بهره‌مندی از قیاس و استقراء - و بهره‌گیری از روش‌های عقلایی و تجزیه و تحلیل محتوا، اهداف مقاله دنبال می‌شود.

### اقتصاد خصوصی و ویژگی‌های آن

بعد از انقلاب صنعتی، اقتصاد از شکل سنتی خارج و واحدهای تولیدی با تولیدات فراوانی مواجه شدند. آنگاه، این پرسش مطرح شد که هر کدام از عوامل تولید- سرمایه و نیروی کار - نسبت به این تولیدات چه سهمی دارند؟

بر اساس تابع تولید  $Q=F(L, K)$  نیروی کار(نیروی کار ساده و متخصص) و سرمایه(نقدی و غیر نقدی) دو عامل تولید هستند. این تابع اساسی‌ترین تابع در اقتصاد و

۱. منظور از نگاه تاریخی ترتب و تقدم تاریخی هر یک بر دیگری نیست، بلکه علت وقوع آن بخش از اقتصاد در مقطع خاصی از تاریخ تحولات اقتصادی است.

این پرسش نیز مهم‌ترین پرسش است. پس پاسخ به این پرسش هم از جایگاه مهمی برخوردار است. نظام سرمایه‌داری براساس مبانی خود و نیز بر پایه اصول متخذ از آن مبانی (اصالت فرد، اصل مالکیت فردی مطلق، اصل آزادی مطلق اقتصادی، اصل رقابت اقتصادی و اصل عدم مداخله دولت در روابط اقتصادی مردم)، عملاً به این سمت رفت که تمام مازاد تولید اختصاص به سرمایه دارد و نیروی کار تنها یک دستمزد ثابت دریافت می‌کند. سرمایه، عامل تعیین میزان سهم از تولید، همچنین عامل تعیین حق مدیریت بنگاه‌های اقتصادی و نیز تعیین حق مالکیت شد. در نتیجه منزلت انسان در روابط جدید اقتصادی به شدت تنزل کرد و سرمایه جایگاه رفیعی یافت. این وضعیت باعث شد ثروت جامعه در دست افراد اندکی جمع شود. بدین نحو اقتصاد خصوصی سرمایه‌داری شکل گرفت (کاپلستون، ۱۳۷۵: ۱۷۹؛ ژید و ژیست، ۱۳۷۰: ۱۸-۹ و ۱۲۴ و ۱۲۵؛ تفضلی، ۱۳۷۵: ۶۹، ۷۰، ۷۲، ۸۶ و ۸۷؛ نمازی، ۱۳۸۲: ۲۴-۲۲).

با این نوع پاسخ به پرسش پیش‌گفته، بخش خصوصی سرمایه‌داری متولد شد. البته، در چارچوب فروض بازار رقابت کامل، سهم عوامل تولید، براساس میزان بهره‌وری آنها تعیین می‌شود. اما تحلیلگران بازار رقابت نظام سرمایه‌داری، بلکه طرفداران آن به صراحت وقوع شرایط بازار رقابت کامل را در عالم خارج غیر ممکن می‌دانند (عبادی، ۱۳۷۲: ۴۵). برخی محققین نیز آن شرایط را صرفاً یک سری شرایط ایده‌آلی معرفی می‌کنند و معترفند که هیچ بازار رقابتی کامل نداریم (واریان، ۱۳۷۸: ۲۴۸). بنابراین، هرگز سهم عوامل نیز براساس میزان بهره‌وری آنها تعیین نمی‌شود.

بخش‌های هر نظام اقتصادی را می‌توان براساس عناصر اصلی اقتصادی بررسی و با سایر بخش‌های اقتصادی مقایسه نمود. این عناصر همان اصول و مبانی پیش‌گفته یا عناصر متخذ از آنها هستند که عبارتند از: هدف فعالیت‌های اقتصادی، وضعیت مالکیت، جایگاه عوامل تولید، آزادی اقتصادی، رقابت اقتصادی، وقوع انحصار، مکانیسم قیمتگذاری و میزان دخالت دولت در اقتصاد. در ادامه ویژگی‌های اقتصاد بخش خصوصی سرمایه‌داری با این عناصر بررسی می‌شوند.

۱. حداکثر نمودن منافع مادی شخصی به عنوان هدف فعالیت اقتصادی، تنها رفتار عقلایی در عرصه اقتصادی شناخته شد. تمام بدی و خوبی، سعادت و شقاوت با منافع مادی دنیایی تعریف می‌شد.

۲. آزادی اقتصادی مطلق، به عنوان یک اصل پذیرفته شد و هر گونه محدودیت، رفتاری ضد ارزش تلقی می‌شود.

۳. مالکیت، فردی و مطلق است. وقتی حداکثر کردن منافع مادی، هدف و ارزش

- تلقی شود و مردم در راه کسب آن نیز آزادی مطلق داشته باشند، به طور طبیعی مالکیت مطلق برای همه و به هر مقداری باید مجاز باشد.
۴. اصل رفتاری رقابت داروینستی غیر قابل انکار شد. با توجه به هدف بیان شده، مالکیت و با آزادی مطلق، رقابت به گونه‌ای که هر کس منافع خود را ولو با خارج کردن دیگران از عرصه فعالیت اقتصادی و نابودی اقتصادی آنان به دست آورد، مجاز شمرده شد.
۵. با توجه به هدف و اصول پیشین، وقوع انحصار توجیه‌پذیر شد. وقتی هدف، حداکثر نمودن منفعت مادی شخصی باشد و نیز با توجه به آزادی و مالکیت مطلق، رفتار انحصارگرانه، امری مقبول و توجیه‌پذیر می‌باشد.
۶. مکانیسم قیمتگذاری به عرضه و تقاضای بازار سپرده شد. تولید کننده چیزی را تولید می‌کند که برای آن تقاضای مؤثر وجود داشته باشد. چون مساله اصلی اراده کسانی است که توان تقاضای مؤثر داشته باشند.
۷. سرمایه جایگاه رفیع پیدا نمود و شان انسان و نیروی کار تنزل یافت و انسان در خدمت سرمایه و صاحب سرمایه قرار گرفت. بنابراین، سهم نیروی کار - ماهر، نیمه ماهر و ساده - تنها دستمزد ثابت حداقلی شد. این دستمزد در دوران رونق، ثابت و در دوران رکود به صفر می‌رسید و کارگر از کار بیکار می‌شد. و از سوی دیگر مدیریت تولید نیز تماما در اختیار سرمایه و صاحب سرمایه قرار گرفت.
۸. دولت در اقتصاد تنها حافظ منافع سرمایه‌داران شد. چون بدون دخالت دولت، دست نامرئی منافع عموم را نیز تامین خواهد کرد.
- پیگیری این آموزه‌ها، آثار اسفباری همانند رکود، بیکاری و فقر گسترده را به دنبال داشت (ر. ک: ژید و ریست، ۱۳۷۰: ۲۷۴-۲۶۹؛ فروم، ۱۳۸۵: ۱۱۰؛ پالمر، ۱۳۸۳: ۱۲). سرانجام گروه‌هایی به مخالفت با اقتصاد خصوصی سرمایه‌داری و لوازم آن برخاسته و به اقتصاد دولتی روی آوردند.

### اقتصاد دولتی و ویژگی‌های آن

اجتماعیون دولتی بر عکس دیدگاه قبلی، نفی مالکیت خصوصی و تحقق مالکیت دولتی را تنها راه‌حل تمام مشکلات معرفی کردند (قدیری اصلی، ۱۳۶۸: ۲۷۵ تا ۲۸۰). رابرت اون، شارل فوریه و لویی بلان از اولین مخالفان اقتصاد خصوصی سرمایه‌داری بودند (ژید و ریست، ۱۳۷۰، ج اول: ۴۱۵-۳۷۱؛ پل روی، ۱۳۴۹: ۴۹ و ۴۸؛ بازارگارد، ۱۳۸۲: ۹۳۰-۹۲۷؛ طالب، ۱۳۷۶: ۵۳-۲۸؛ قدیری اصلی، ۱۳۷۶: ۲۶۹-۲۶۳).

سوسیالیست‌های علمی، درصدد کشف و بیان علمی راهی بودند که ابنای بشر دنبال می‌کردند. مارکس سردمدار این گروه بود (ژید و ریست، همان، جلد ۲: ۱۴۰). آنان مدعی بودند که میزان تولید تنها تابع نیروی کار است و سرمایه فی‌نفسه عقیم است. پس مالکیت فردی سرمایه باید لغو گردد.

اگر با عناصر قبلی، اقتصاد دولتی بررسی شود، می‌توان ویژگی‌های زیر را برای آن برشمرد:

۱. مالکیت در اقتصاد، تماماً دولتی است.
  ۲. هدف فعالیت اقتصادی، بهره‌مندی همه مردم است. بنابراین، افراد باید به‌مقدار توان، تولید کنند و به‌مقدار نیاز، بهره‌مند شوند. پس تولید بر مازاد نیاز را باید به دولت تحویل نمایند.
  ۳. سرمایه عقیم و به آن پاداشی تعلق نمی‌گیرد و همهٔ مازاد تولید، مال مالک سرمایه (دولت) می‌باشد.
  ۴. آزادی اقتصادی مطلقاً ملغی است. وقتی مالکیت خصوصی ملغی شود، دلیلی برای آزادی اقتصادی وجود ندارد.
  ۵. رقابت اقتصادی مطلقاً منتفی است. دلیلی که برای الغای آزادی اقتصادی ارایه شد، برای نفی رقابت اقتصادی نیز جاری است.
  ۶. دولت امکانات اقتصادی را به نحو کامل در انحصار خود دارد.
  ۷. تعیین قیمت کالاها و خدمات به عهده دولت است.
  ۸. در اقتصاد دولتی، بخش خصوصی مطلقاً نفی می‌شود و همه امور اقتصادی در ید دولت است.
- بعد از مدتی آثار اسفبار اقتصاد دولتی نیز آشکار شد. برای جلوگیری از گسترش اقتصاد دولتی، نظام سرمایه‌داری دست به اصلاحاتی زد. به‌ظاهر نقش دولت را در اقتصاد زیاد نمود و بخشی تحت عنوان بخش دولتی در کنار بخش خصوصی با ویژگی‌هایی متمایز از بخش خصوصی به‌فعالیت مشغول شد. بدین وسیله، اقتصاد مختلط دویخشی شکل گرفت. در ادامه، اقتصاد مختلط و نتایج اجرای آن اشاره می‌شود.

### اقتصاد مختلط، ویژگی‌ها و نتایج آن

در این اقتصاد، اصل، اقتصاد خصوصی است. اما هدف دولت افزون بر پیگیری منافع فعالان اقتصاد خصوصی، تامین رفاه همه مردم می‌باشد. دولت با اخذ مالیات، برخی

خدمات عمومی را ارایه داد. اما با توجه به آنکه فعالیت‌های سیاسی نیز آزاد و رقابتی بود، در رقابت سیاسی، سرمایه و پول نیز همچنان نقش اصلی را داشت. در نتیجه، در فعالیت‌های سیاسی و انتخاباتی کرسی‌های سیاسی و دولتی در اختیار سرمایه‌داران قرار گرفت. یعنی همان کسانی که اقتصاد خصوصی را تحت تسلط داشتند، اقتصاد دولتی را هم به خدمت گرفتند. بدین نحو، اقتصاد مختلط شکل گرفت. اما مبانی نظام اقتصادی مختلط تفاوتی با اقتصاد خصوصی پیدا نکرد. از آنجایی که همچنان اصل با اقتصاد بخش خصوصی بود، بخش خصوصی با همان ویژگی‌های هشتمانه همراه با تعدیلاتی به فعالیت خود ادامه داد.

اقتصاد خصوصی، دولتی و مختلط ادعای جهان‌شمولی داشته و مدعی هستند که با اجرای نظریه‌های خود در تمام دنیا مشکلات اقتصادی حل می‌شود. به ناکامی‌های اقتصاد خصوصی و دولتی اشاره شد. اما آیا اقتصاد مختلط، قادر به حل مشکلات اقتصادی مردم دنیا شد؟

با نگاهی به وضعیت اقتصادی مردم جهان که تحت حاکمیت مطلق اقتصاد مختلط قرار دارد، پاسخ این پرسش آشکار می‌شود. بر پایه آمار بانک جهانی در سال ۱۹۹۳، تعداد فقیران در کشورهای کمتر توسعه یافته که در وضعیت وخامت به سر می‌برند، حدود یک میلیارد و سیصد میلیون نفر است (تیرل وال، ۱۳۷۸: ۵۳). همچنین کشورهایی با درآمد پایین که دارای ۶۰ درصد جمعیت جهانند، تنها ۶ درصد درآمد جهان را در اختیار دارند و کشورهای صنعتی با جمعیت ۲۵ درصد جهان، ۷۷ درصد درآمد جهان را در چنگ خود دارند (تیرل وال، ۱۳۷۸: ۵۵). همچنین برخی آمارها حکایت دارند که اگر جمعیت جهان به پنج پنجم تقسیم شود، ثروتمندترین پنجم، ۸۳ درصد درآمد دنیا را به خود اختصاص داده است، در حالی که فقیرترین پنجم، فقط ۱/۴ درصد درآمد دنیا را دارد. متأسفانه هر چقدر دنیا ثروتمندتر می‌شود، وضعیت نابرابری بدتر می‌گردد؛ به طوری که در دهه ۱۹۶۰ میلادی، درآمد پنجم ثروتمند، ۳۰ برابر پنجم فقیر دنیا بود، اما امروزه این نسبت، ۸۰ برابر شده است (هیوت و همکاران، ۱۳۷۷: ۱۷).

در آمریکا در سال ۱۹۷۳ میلادی سهم درآمد یک-پنجم پایین‌ترین خانواده‌ها، ۵/۵ درصد کل درآمد و سهم درآمد یک-پنجم بالاترین خانواده‌ها، ۴۱/۱ درصد کل درآمد بود و در سال ۱۹۹۱ سهم دسته اول به ۴/۵ و دسته دوم به ۴۴/۲ رسید و این روند با اندک تغییراتی همچنان ادامه دارد (بیو، ۱۳۷۶: ۳۲۹). طبق برآوردی بر پایه اطلاعات «فدرال رزرو» آمریکا در سال ۱۹۹۰، ارزش خالص ثروت یک درصد بالای جمعیت

آمریکا، بیشتر از ارزش خالص ثروت ۹۰ درصد پایین جمعیت بود. جالب اینکه دارایی ده خانواده ثروتمند آمریکایی روی هم، نزدیک ۱۵۰ میلیارد دلار برابر کل ثروت یک میلیون خانواده متوسط است. نکته مهمتر آنکه ۴۰ درصد پایین جمعیت بیش از آنچه درآمد به دست می آورند، بدهکارند (شارون، ۱۳۷۹: ۱۰۱).

آنچه بیان شد، محصول کارکرد مبانی و اصول اقتصاد مختلط است. اکنون وضعیت از گذشته بهتر نیست؛ چون اولاً، فقر و فساد و شکاف درآمدی شدید در دنیا حاکم است؛ ثانیاً، رکود شدید در بازارهای مالی و تولیدات صنعتی اتفاق افتاده است؛ ثالثاً، گرانی مواد غذایی مردم را مواجه با مشکلات فراوان برای تامین حداقل‌های زندگی کرده است؛ رابعاً، اخراج کارگران زیادی باعث افزایش خیل بیکاران در دنیا شده است. این ناکامی‌ها باعث شد تا اقتصاددانان عمل به ارزش‌های اخلاقی را راه‌حل مشکلات اقتصادی معرفی کنند و ادبیات اقتصادی جدیدی به نام اقتصاد خیرخواهانه یا اقتصاد بخش سوم رقم بخورد که در ادامه به اختصار توضیح داده می‌شود.

### اقتصاد بخش سوم (خیرخواهانه)

برخی اندیشمندان اقتصادی معتقدند برای نجات بشر از مشکلات اقتصادی، باید انگیزه‌های اخلاقی در افراد تقویت شود. اما درباره این بخش، چند مطلب مطرح است:

۱. ویژگی‌های اقتصاد بخش سوم چیست؟ ۲. آیا اقتصاد بخش سوم موفق به حل مشکل اصلی اقتصادی یعنی رفع فقر شد؟ ۳. در صورت عدم موفقیت، علت چیست؟ ۴. آیا راه حل دیگری برای رفع فقر وجود دارد؟

در ادامه، اقتصاد بخش سوم براساس آموزه‌های اسلامی تبیین می‌شود. البته، در برخی موارد بدیهی است که مورد تایید آموزه‌های اسلامی می‌باشد، لذا اصل مطلب بیان و از ارایه ادله آنها خودداری می‌گردد.

### ویژگی‌های اقتصاد بخش سوم (اخلاقی بدون سود مادی) عبارتند از:

۱. هدف فعالان اقتصادی رفع نیازهای مادی دیگران است. البته، کسب پاداش اخروی نیز می‌تواند در شمار اهداف آنان قرار گیرد و ده برابر پاداش اخروی بگیرد (انعام: ۱۶۰).
۲. مالکیت خصوصی فردی است؛ هرچند ممکن است سرمایه‌ها تجمیع و به نحو مشاع آن را مالک شوند.
۳. منافع مادی حاصله، عموماً به سایرین می‌رسد.

۴. فعالیت اقتصادی، در ابتدا، ادامه و خاتمه اختیاری و داوطلبانه است. مگر آنکه داوطلبانه ملتزم به عدم چنین امری شود.
  ۵. فعالیت‌ها بدون ضمانت قانونی و اجرایی است و نمی‌توان برای منابع آن برنامه‌ریزی دقیق نمود. تنها ضمانت اجرایی، تعهد افراد به ارزش‌های اخلاقی می‌باشد.
  ۶. اصل رفتاری حاکم نه رقابت است و نه انحصار؛ بلکه یاریگری است. اگر رقابت اتفاق بیافتد، تنها برای پاداش اخروی است.
  ۷. نقش دولت، تنها تبلیغ و تشویق است. چون منابع، تعلق حقیقی به افراد دارد و آنان می‌توانند آن منابع را به دلخواه خود مصرف کنند.
- آیا با وجود اقتصاد بخش سوم مشکلات اقتصادی بشر رو بهبودی بوده و فقر از بین رفته است؟

#### عدم رفع مشکلات اقتصادی با وجود اقتصاد بخش سوم

به‌رغم تلاش‌های فراوان در چند دهه اخیر، موفقیت چندانی در این زمینه حاصل نشده و اقتصاد بین‌المللی با بحران مواجه گردیده و فقر و شکاف درآمدی گسترده‌تر شده است. یکی از محققان اقتصاد اسلامی، اشکال اساسی عدم موفقیت اقتصاد بخش سوم در حل مشکل فقر را در جوامع اسلامی، عدم وجود یک سیستم کارآمد برای تجهیز و تخصیص منابع مالی این بخش می‌داند (میر معزی، ۱۳۸۲: ۳۶۷-۳۴۴). تلاش ایشان، بسیار ارزنده و گامی به‌سمت حل مشکل فقر است. اما نکاتی در باره مطلب ایشان باید مورد ملاحظه قرار گیرد. چه چیزی باید انسان را وادار کند تا از نفع شخصی خود صرف‌نظر نماید؟

در نوشته‌های اقتصاددانان طرفدار نظام سرمایه‌داری نمی‌توان جواب روشن و قاطعی برای این پرسش یافت. بنابراین، همین امر باعث می‌شود تا تمام نظریات اخلاقی آنان برای برطرف کردن مشکل اقتصادی با ضعف جدی مواجه شوند. در اقتصاد اسلامی، پرسش پیشین، پاسخ قانع‌کننده می‌یابد. تنها با ایمان به خدای متعال و اعتقاد به روز حساب و پاداش می‌توان پاسخ پرسش پیشین را به درستی ارائه نمود (میرمعزی و همکاران، ۱۳۸۴: ۳۴۰؛ میرمعزی، ۱۳۸۲: ۳۶۷-۳۴۴؛ یوسفی، ۱۳۸۶: ۲۰۸-۲۰۴).

اما به‌نظر می‌رسد مشکل اصلی بشر - رفع کامل فقر - با وجود این سه‌بخش اقتصادی به دلایل زیر به‌نحو کامل حل نمی‌شود:

۱. دور بودن مبانی نظام اقتصادی مسلط بر جهان از ارزش‌های اخلاقی، امیدی به



نهادینه شدن ارزش‌های اخلاقی در عرصه اقتصادی باقی نمی‌گذارد. براساس تصریح بزرگترین مدعیان این نظام همانند کینز امور ارزشی و اخلاقی، بد است و امور ضد ارزشی و اخلاقی، خوب می‌باشد (فرسون: ۱۲۲ و ۱۲۳). البته، با نابودی نظام سرمایه‌داری و جایگزینی نظام اقتصادی اسلام، می‌توان امید بیشتری به این امر داشت.

۲. تضعیف انگیزه فعالیت اقتصادی در برخی افرادی که از اقتصاد صدقه‌ای بهره‌مند می‌شوند.

۳. عمل به ارزش‌های اخلاقی، هر مقداری هم اتفاق بیافتد، امید به پایداری آن بالا نیست، چون ضمانت قانونی و اجرایی ندارد.

۴. به‌رغم وجود مومنین ثروتمند و منابع فراوان مالی در برخی کشورهای اسلامی، اما در هیچ کشوری رفع نسبی فقر به‌نحو پایدار مشاهده نمی‌شود.

دلایل پیشین، هیچگاه از اهمیت اقتصاد بخش سوم نمی‌کاهد؛ بلکه توجه واقعی به ظرفیت این بخش در حل ریشه‌ای مشکل فقر در دنیای فعلی است. اگر در سیستم اقتصادی یک نوع کاستی وجود داشته باشد که منشا فقر شود، در این صورت، باید آن کاستی را برطرف نمود. با توجه به مطالبی که درباره نظام اقتصادی سرمایه‌داری بیان شد، آموزه‌های نظام سرمایه‌داری تنها ظرفیت اقتصاد بخش خصوصی سرمایه‌سالاری را دارد. این بخش نیز در درون خود فقرزا است و هرگز نمی‌تواند فقر را ریشه کن و عدالت اقتصادی را محقق کند. این تحقیق بدون آنکه جایگاه سه‌بخش اقتصادی پیش گفته را کم اهمیت بشمارد، معتقد است که باید در پی بخشی از اقتصاد بود تا دارای عناصر و مؤلفه‌هایی باشد که از درون فقرزدا و توزیع عادلانه را انجام دهد. فعالان اقتصادی - صاحب سرمایه، نیروی کار و نیز مصرف‌کننده - ضمن آنکه به دنبال منافع مادی خود هستند، نسبت به نیازهای سایرین به لحاظ اخلاقی احساس تکلیف کنند. به همین جهت این بخش از اقتصاد با عنوان اقتصاد اخلاقی تکلیف‌مدار نامیده شده و ابعاد آن به نحو اختصار تبیین و توضیح داده می‌شود.

### اقتصاد اخلاقی تکلیف‌مدار

اگر مردم و نهادهای اجتماعی و دولت در برابر رفع مشکلات اقتصادی احساس تکلیف نمایند و همچنین، الگوی اقتصادی ای را سامان دهند که تکلیف‌محور باشد و عمل به ارزش‌های اخلاقی در چارچوب ضوابط حقوقی و با پشتوانه قانونی صورت گیرد و فعالان اقتصادی نیز هم سود خود را و هم رفاه دیگران را دنبال نمایند، در این صورت به‌نظر می‌رسد، می‌توان امید به حل مشکلات اقتصادی داشت.

در برابر مشکل اصلی اقتصاد، در کنار سه دیدگاه گذشته، گروهی دیگر برای این مشکل راه حل دیگری با ویژگی های پیش گفته تحت عنوان اقتصاد تعاونی ارائه دادند که با موفقیت های خوبی همراه بود. در ادامه خاستگاه این راه حل بیان و به برخی ابعاد آن اشاره می شود.

### خاستگاه اقتصاد تعاونی

تعاون طلبان بر اساس اصول و ارزش هایی اقتصاد تعاونی را تاسیس کردند تا از مفاسد اقتصادی، اجتماعی و اخلاقی نظام سرمایه داری و سوسیالیسم به دور باشند. در میان رنج، گرسنگی و ناامیدی حاصل از اجرای آموزه های نظام سرمایه داری، ۲۸ نفر کارگر با اعتماد به نفس، در سال ۱۸۴۴ میلادی اقتصاد تعاونی را تاسیس کردند. آنان این اهداف را دنبال می نمودند: خرید خانه برای اعضا، تولید کالاهای مورد نیاز اعضا، آموزش اعضا و ایجاد اشتغال برای آنان. اهم اصول آنان نیز عبارت بود از: آزادی عضویت، هر عضو یک رای، بهره محدود به سرمایه، تقسیم مازاد درآمد بین اعضا براساس میزان خرید کالا از طرف آنان، فروش کالا به قیمت عادلانه (ر. ک: طالب، ۱۳۷۶: ۸۵؛ وزارت تعاون و امور روستاها، نشریه ۸۵، ۱۳۵۲: ۴۵ تا ۴۷ و کمبرلی و کراپ، ۱۳۸۵: ۴۰). با مشاهده موفقیت های گسترده آنان، اقتصاد تعاونی با سرعت به بسیاری از کشورها گسترش یافت و در سال ۱۸۹۵ میلادی اتحادیه بین المللی تعاون تاسیس شد.

اقتصاد تعاونی با توجه به میزان رعایت اصول و تحقق جایگاه مورد انتظار انسان در فرایند اقتصادی به سه نوع تقسیم می شود که عبارتند از:

۱. اقتصاد تعاونی واقعی: که فعالیت های اقتصادی ای هستند که کاملاً اصول اقتصاد تعاونی در آنها رعایت می شود.
۲. اقتصاد تعاونی کاذب: که فعالیت های اقتصادی ای هستند که به ظاهر تعاونی نام گرفتند تا از برخی امکانات دولتی و اتحادیه های تعاونی استفاده کنند و اصول تعاونی را رعایت نمی کنند. اغلب تعاونی هایی که در کشورهای سرمایه داری و سوسیالیستی تشکیل شده از این قبیل هستند. آنان برای نابودی و به انحراف کشاندن اقتصاد تعاونی واقعی دست به تاسیس این تعاونی ها زدند (طالب، ۱۳۷۶: ۱۱؛ کالن، ۱۳۵۰، جلد ۲: ۱۹۶).

۳. شبه تعاونی: که فعالیت های اقتصادی ای هستند که براساس برخی اصول تعاونی سامان یافته اند (پل روی، ۱۳۴۹: ۱ و ۲۷).

این تحقیق در پی اقتصاد تعاونی واقعی است. البته، این قبیل تعاونی‌ها که با رویکرد سکولار تاسیس شده‌اند، دارای اشکالاتی هستند که در نوشته‌های دیگر به آنها اشاره شده است.<sup>۱</sup> اما در ادامه، اقتصاد تعاونی براساس آموزه‌های اسلامی تبیین می‌شود و نشان داده می‌شود که فعالان اقتصادی نسبت به رفع نیازهای مادی سایرین در این مدل احساس تکلیف می‌کنند. به همین جهت اقتصاد اخلاقی تکلیف‌مدار نامیده می‌شود. در واقع این بخش از اقتصاد، دارای اصول و مدل اجرایی است که تحقق عدالت اقتصادی و رفع فقر را در درون مدل محقق می‌کند.

بنیان اساسی اقتصاد تعاونی واقعی، ترفیع جایگاه نیروی انسانی در برابر سرمایه است. منطق و مبنای اقتصاد تعاونی آن است که همه نعمت‌های الهی برای همه انسان‌ها آفریده شده‌اند. انسان جانشین خدا در زمین است و باید جایگاه او در فرایند اقتصادی ترفیع یابد و سرمایه در اختیار همه انسان‌ها قرار گیرد. نقش اصول و ارزش‌های تعاونی برای تحقق جایگاه انسان در برابر سرمایه است.<sup>۲</sup> بنابراین، اگر در فرایند اقتصادی جایگاه انسان نسبت به سرمایه ترفیع یابد و همه انسان‌های فعال، مالک منابع و محصول تولیدی باشند، همه انسان‌ها در مدیریت اقتصادی نقش داشته باشند، دستمزد ثابت براساس میزان تخصص داشته باشند و نیز از سود سهام بهره‌مند گردند، تعاونی‌های واقعی شکل می‌گیرند. مطابق با این اصل رفتاری، فعالان اقتصادی پیگیری منافع سایرین را به‌عنوان یک تکلیف و مسئولیت می‌پذیرند. در اقتصاد تعاونی، مالکیت‌ها توسعه می‌یابند و همه فعالان اقتصادی به نحو مشاع مالک منابع و محصول تولیدی می‌شوند. اقتصاد تعاونی دارای اصول و ارزش‌های همسو با اهداف فعالان اقتصادی و نیز دارای مبانی بینشی به‌عنوان پایه و تکیه‌گاه فکری است. بدون نفی سه‌بخش دیگر اقتصاد، فعالیت می‌کند. اقتصاد چهاربخشی را شکل می‌دهد، کما اینکه می‌تواند جایگزین سه بخش دیگر شود. اقتصاد تعاونی دارای مدل‌های اجرایی است. در ادامه، کاملترین مدل اجرایی که نقش اساسی در رفع مشکلات اقتصادی دارد، ارائه و تبیین می‌شود.

۱. این مطلب در مقاله دیگری توسط نویسنده این نوشتار به‌مقدار لازم تبیین و ابعاد آن مشخص شده است. برای آشنایی بیشتر رجوع به فصلنامه اقتصاد اسلامی، شماره ۳۷ مقاله «بررسی تطبیقی اقتصاد تعاونی با اقتصاد سرمایه‌داری و اقتصاد اسلامی».

۲. آنچه درباره جایگاه انسان و سرمایه بیان شد، منطق و مبنای اقتصاد تعاونی است که در این مقاله با تکیه بر آموزه‌های اسلامی تبیین گردید.

### تعاونی تلفیقی، مدل اجرایی اقتصاد اخلاقی تکلیف‌مدار

در این مدل، هر سه گروه فعال اقتصادی (صاحبان سرمایه، نیروی کار و مصرف‌کنندگان) در کنار هم قرار می‌گیرند و اهداف همه آنها در فعالیت‌های اقتصادی تامین می‌شود و آنان در تصمیم‌گیری امور مهم اقتصادی سهیم هستند. چون در این مدل، هر یک از اعضای تعاونی، هم مصرف‌کننده، هم تولیدکننده و هم صاحب سرمایه است. برای تحقق این مدل باید مصرف‌کنندگان، تولیدکالاها و خدمات مورد نیاز خود را بر عهده گیرند. این مدل با طرح سه مرحله‌ای اجرایی می‌شود: در مرحله اول تعاونی‌های توزیع و مصرف تشکیل می‌شود و در مرحله دوم با تاسیس بنگاه‌های تولیدی، کالاهای مورد نیازشان را تولید می‌کنند و در مرحله سوم با تولید مواد اولیه کالاهای حلقه اقتصادی را کامل می‌نمایند و واسطه‌گری به نحو کامل از بین می‌رود. با توضیح مختصر هر سه مرحله، ابعاد این مدل، روشن‌تر می‌شود.

مرحله اول: در این مرحله، تعاونی‌های توزیع و مصرف محلی تاسیس می‌شوند. همه افراد جامعه با قبول تکالیفی که متوجه آنان هست، حق عضویت در تعاونی تلفیقی را دارند. آنان با خرید یا پذیرش تعهد حداقل یک سهم می‌توانند به عضویت این تعاونی‌ها درآیند. با توسعه و تمرکز بنگاه‌های توزیع و مصرف و ایجاد اتحادیه‌های تعاونی، شعاع عمل وسیعی برای آنها در سطح محلی، منطقه‌ای و ملی فراهم می‌شود. با توسعه تعاونی توزیع و مصرف، حجم فروش کالاها گسترده می‌شود. تعاونی‌های توزیع و مصرف، کالاها را به قیمت بازار به اعضای خود و مصرف‌کنندگان عرضه می‌کنند. آنها منافع قابل توجهی از طریق جمع‌آوری سرمایه‌های کوچک و مازاد فروش بین قیمت تمام شده و فروش به قیمت بازار، به دست می‌آورند.

آنان با گسترش فعالیت اقتصادی در این مرحله، دو هدف عمده را دنبال می‌کنند که عبارتند از:

۱. به دست آوردن سرمایه کافی جهت راه‌اندازی بنگاه‌های تولیدی دو مرحله بعدی.
۲. به دست آوردن بازار لازم و مطمئن برای تولیدات دو مرحله بعدی. چون با داشتن تعداد قابل قبول اعضا، تعاونی‌ها با اعتماد و اطمینان بیشتری اقدام به تولید کالاها و خدمات می‌کنند.

تاکید می‌شود که اتحادیه ملی تعاونی‌ها انواع هدایت‌ها و حمایت‌ها از قبیل: کمک‌های مالی، بازاریابی و کمک‌های فنی را برای این قبیل تعاونی‌ها ارائه می‌دهند و در کنار آن هدایت‌ها و حمایت‌های لازم را بر فرایند فعالیت‌های اقتصادی سه مرحله

پیش گفته دارند تا آنها از چارچوب رعایت اصول خود خارج نشوند.

مرحله دوم: در این مرحله با استفاده از سرمایه‌های جمع‌آوری شده از طریق فروش سهام به اعضا و ذخایر حاصل از فعالیت‌های اقتصادی مرحله اول، منابع قرض‌الحسنه و کمک‌های دولتی، کارخانه‌های تولیدی تاسیس می‌شوند. با تاسیس این قبیل واحدهای تولیدی، کالاهای مصرفی اعضا به دست خودشان یا تحت نظارت آنها تولید و عرضه می‌شوند. به عبارت دیگر، مصرف کنندگان، کالاهای مورد نیاز خودشان را تولید می‌کنند یا تحت نظارتشان تولید می‌شود. بنگاه‌های تولیدی برای میزان تولید خود، از پیش میزان تقاضا را به طور تقریبی اطلاع دارند. چون مشتریان تعاونی‌ها، اعضای تعاونی‌ها هستند که در مرحله اول به تعداد زیادی افزایش یافته‌اند. البته، در صورتی که مشکلی برای تعاونی‌ها ایجاد نشود، کالاهای تولیدی را نیز می‌توانند به غیر اعضای تعاونی بفروشند. بدین ترتیب، بین مصرف و تولید تعادل ایجاد می‌شود. همچنین، تعاونی‌های تلفیقی به موازات توسعه، اعضای جدیدی جذب و در تعاونی‌ها مشغول به کار می‌کنند. یعنی از یک سو دائماً اشتغال را افزایش می‌دهند و از سوی دیگر، میزان اشتغال را با میزان تقاضا و تولید هماهنگ می‌کنند.

مرحله سوم: در این مرحله، تعاونی‌ها راساً مواد اولیه کالاها را تولید می‌کنند. خرید زمین، تهیه مواد اولیه از طریق معادن و ... برای تامین مواد مورد نیاز کارخانه‌های تولیدی را فراهم می‌کنند. بدین ترتیب، با فرض اینکه تمام مصرف کنندگان، عضو تعاونی‌ها هستند و همه مراحل تولید، تبدیل، بسته‌بندی، توزیع و مصرف و ... توسط خود اعضا انجام می‌شود، تاخت و تاز بنگاه‌های سرمایه‌داری کنترل می‌گردد.

با تاسیس این قبیل تعاونی‌ها، کینه و عداوت از بین می‌رود و به نزاع بین کارگران و کارفرمایان و مصرف‌کنندگان پایان داده می‌شود. چون صاحبان سرمایه، خود اعضای تعاونی‌ها هستند. تمام اعضای تعاونی‌ها چه اعضایی که در تعاونی‌ها اشتغال به کار دارند و چه آنانی که در تعاونی‌ها اشتغال به کار ندارند، سهامداران تعاونی هستند. با توافق اعضای تعاونی و تصویب هیات مدیره، سود متناسبی به سرمایه آنها تعلق می‌گیرد. همچنین، تولید کنندگان نیز از اعضای تعاونی‌ها هستند که افزون بر صاحب سهم بودن، از دستمزد مناسبی بهره‌مند می‌شوند. اعضای تعاونی غیر شاغل که تنها اقدام به خرید کالاهای تولیدی جهت مصرف می‌کنند، افزون بر دریافت سود سهام متناسب، کالاهای با کیفیتی که مورد نظرشان است از تعاونی‌ها خریداری می‌کنند. همچنین، در پایان دوره مالی مبلغی تحت عنوان مازاد برگشتی دریافت می‌نمایند. البته، از این مزیت نیز تمام اعضای شاغل که از تعاونی‌های تلفیقی خریداری می‌کنند بهره‌مند هستند.

بنابراین، اهداف هر سه گروه: صاحبان سرمایه، تولید کنندگان و مصرف کنندگان در این قبیل تعاونی‌ها تامین می‌شود و نزاع بین آنان برطرف می‌گردد. با توجه به مطالبی که در پایان مرحله دوم و سوم بیان شد، تردیدی وجود ندارد که با تحقق هر سه مرحله، در عرصه اقتصادی، رفاه عمومی برای همه اعضای تعاونی، بلکه برای عموم مردم به سمت بهبودی پیش می‌رود. چون تعاونی‌های تلفیقی دائماً در صدد توسعه فعالیت‌های اقتصادی خود و ایجاد زمینه اشتغال متعادل برای همه مردم هستند. همچنین، واسطه بین مصرف کننده و تولید کننده از بین می‌رود و بخش مهمی از درآمد مصرف کنندگان که به واسطه‌ها می‌رسید، برای مصرف کننده صرفه جویی شده و قدرت خرید آنان افزایش می‌یابد. افزون بر آن، سودی که از طرف مصرف کنندگان قبلاً به سرمایه‌داران می‌رسید، به نفع مصرف کنندگان، صرف انجام امور تولیدی یا موجب افزایش قدرت خرید آنان می‌شود. تحقق این الگو نیازمند آن است که اصولی تحت عنوان اصول اجرایی پیگیری شود.

### اصول اجرایی اقتصاد تعاونی تلفیقی

تحقق مدل اجرایی اقتصاد تعاونی، نیازمند اصول اجرایی خاصی است. تنها با رعایت آن اصول می‌توان انتظار داشت که شرایط و زمینه اجرای مدل محقق شود. در ادامه، آن اصول بر اساس آموزه‌های اسلامی بیان و مورد ارزیابی قرار می‌گیرند.

#### ۱. اصل عضویت آزاد مسئولانه

براساس مبانی بیان شده درباره جایگاه انسان در فرایند اقتصادی، همه انسان‌ها حق دارند تا در فعالیت‌های اقتصادی آزادانه تلاش کنند. بنابراین، اگر مقتضی و ظرفیت همکاری برای افراد وجود داشته باشد، آنان در صورت تمایل، مختارند در این نوع فعالیت، همکاری و عضویت یابند. این همکاری و عضویت، در صورتی که با نافرمانی خدا و گناه همراه نباشد، مصداق برّ و تقوی است که خدای متعال به آن فرمان داده است (مائده: ۲).

همچنین، اگر افرادی واجد صلاحیت همکاری بوده و مقتضی و ظرفیت پذیرش نیز وجود داشته باشد، براساس حقوق برادری در اسلام، حق عضویت و همکاری در تعاونی پیدا می‌کنند و در صورت عدم پذیرش وی، کاری خلاف اخلاق و حقوق برادری انجام می‌دهند. از سوی دیگر، نباید فردی را مجبور به پذیرش عضویت نمود یا شرایطی را پیش آورد تا افرادی مجبور به عضویت و همکاری در تعاونی شوند؛ چراکه

این نوع رفتار مانع بهره‌مندی انسان‌ها از حق آزادی و اختیارشان می‌شود. بر اساس دیدگاه اسلام مردم در نحوه بهره‌مندی از نفس و مال خود آزاد هستند و هیچ کس نباید مانع استفاده آنان از آزادی‌شان شود. فقهای اسلام بناء عقلا را دلیل بر این آزادی می‌دانند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۰، ج ۲: ۴۳-۱۹). افزون بر آن، روایاتی مؤید آزادی اقتصادی انسان است. از پیامبر اکرم نقل شده است:

الناس مسلطون علی أموالهم (مجلسی، ۱۳۷۴، ج ۲: ۲۷۳).

مردم بر اموال خود مسلط هستند.

تسلط بر اموال، اقتضا دارد که صاحب مال بتواند هرگونه تصرفی در اموالش بکند. روایات دیگری نیز مؤید آزادی انسان‌ها است (حر عاملی، ۱۲۸۸، ج ۱۳، ابواب احکام الوصایا، الباب ۱۷: ح ۱ و ۲).

بنابراین، آزادی عضویت در اقتصاد تعاونی، حق انسان است. اما در برابر این حق، او مواجه با تکالیفی است.

امام علی به تلازم حق و تکلیف تصریح می‌فرماید (شریف رضی، ۱۳۷۸، خطبه ۲۱۶: ۲۴۸).

بنابراین، اگر فردی از این حق خود بهره‌مند شده و به عضویت تعاونی درآمد، مواجه با تکالیف و مسئولیت‌هایی است که اصول تعاونی بیان‌کننده آنها است و هر عضو باید ملتزم به انجام آنها شود. این مسئولیت‌ها اعم از مسئولیت‌های حقوقی و اخلاقی است.<sup>۱</sup>

## ۲. اصل مدیریت همگانی

اقتصاد تعاونی را متناسب با فلسفه آن، مجمع اشخاص و اعضا می‌دانند. بنابراین، حاکمیت انسان‌ها معیار و ملاک در فعالیت‌های اقتصادی است. در نتیجه، تمام اعضای تعاونی با صرف نظر از میزان سهمشان، از حق رای مساوی در فرایند مدیریت اقتصادی، برخوردارند (ر. ک: طالب، ۱۳۷۶: ۱۵۷؛ وزارت تعاون و امور روستاها، ۱۳۵۲: ۸۹-۸۶؛ بوگاردوس، ۱۳۵۲: ۳۳-۳۱؛ بکن، ۱۳۵۶: ۵۳-۵۱؛ انصاری، ۱۳۸۳: ۱۶۷-۱۶۴). اعضای تعاونی از این طریق، اعمال مدیریت و نظارت همگانی می‌کنند. به همین جهت و نیز به دلایلی که در مباحث آتی روشن خواهد شد، در این تحقیق واژه «مدیریت همگانی» استفاده شده است.

۱. برای آشنایی بیشتر با مسئولیت‌ها در برابر بهره‌مندی از حق آزادی رجوع شود به: کتاب نظام اقتصادعلوی، فصل اصول راهبردی.

جرج دراهیم، یکی از اندیشمندان اقتصاد تعاونی معتقد است که اگر اصل هر عضو یک رای در اقتصاد تعاونی رعایت نشود، ماهیت تعاونی به عنوان مجمع اشخاص به خطر می‌افتد (طالب، ۱۳۷۶: ۱۷۱). راسل عقیده دارد که جهان علی‌رغم تحصیل حکومت مردم بر مردم در عرصه سیاسی، هنوز جهان قرن بیستم به چنین حکومتی در عرصه صنعتی و اقتصادی دست نیافته است. در حالی که چنین نظامی بهترین طریق برای افزایش کارایی و تقویت نیروی خلاقه در بخش اقتصادی است. به نظر وی سیستم سرمایه‌داری که در اصل مبتنی بر تاسیس منافع گروه‌های خاص اجتماع است، بدون تردید موجب بروز اختلافات متعدد میان طبقات کارگر و کارفرما می‌شود. چرا که سرمایه‌دار نمی‌تواند حداکثر کارایی را در ازاء حداقل مزد، تضمین نماید. در حالی که کارگر علاقه دارد حتی الامکان حداکثر مزد را در ازاء کار خود دریافت کند. بنابراین، نمی‌توان از نظام سرمایه‌داری، اجتماعی هماهنگ و عاری از کینه‌جویی و نارضایتی را انتظار داشت. وی معتقد است تنها سیستم تعاونی مبتنی بر اصول دموکراتیک می‌تواند بسیاری از عواقب نامطلوب فوق را کاهش دهد (مدنی، ۱۳۷۲: ۱۳۶، به نقل از: راسل، ۱۳۵۷).

بشر در عرصه سیاسی برای بهره‌مندی همه مردم از قدرت سیاسی جامعه، به نظام سیاسی حکومت مردم بر مردم، دست یافته است که اراده مردم در نوع استفاده از قدرت سیاسی جامعه تاثیر گذار است. اگرچه، چنین حکومتی مبتنی بر مبانی سکولار، مواجه با اشکالات فراوانی است (برای آشنایی بیشتر با اصول دموکراسی سکولار و اشکالات و طرق رفع آنها براساس مبانی دینی، رجوع شود: عبدالحمید فرزانه؛ مجموعه مقالات دومین همایش مردم‌سالاری دینی در رویکردی تطبیقی و کاربردی؛ مقاله مردم‌سالاری دینی جبران‌کننده نارسایی‌های دموکراسی لیبرال؛ ج ۲: ۳۳۶-۳۰۷)؛ اما در عرصه اقتصادی، اراده آزاد همه مردم در بهره‌مندی آنان از قدرت اقتصادی جامعه - ثروت و دارایی ملی - در چارچوب نظام اقتصادی که حاکمیت مردم بر مردم را رقم زند، اقتصاد تعاونی است. همان طوری که در عرصه سیاسی اگر حکومت مردم بر مردم براساس مبانی صحیح پیگیری شود، همه مردم از قدرت سیاسی جامعه به نحو عادلانه بهره‌مند خواهند شد، در عرصه اقتصادی نیز اگر اقتصاد تعاونی واقعی اتفاق بیافتد، اراده آزاد تعاونگران در بهره‌مندی از ثروت و دارایی جامعه به نحو عادلانه اعمال خواهد شد.



### مدیریت همگانی از منظر آموزه‌های اسلامی

از منظر فقهی آیا این نوع مدیریت مجاز است؟

توجه به امور ذیل، افزون بر مجاز بودن، اهمیت آن را نیز مشخص می‌کند:

۱. فقهای اسلام انواع شرکت‌های صحیح و باطل را در مباحث فقهی مورد بررسی قرار داده‌اند. یکی از انواع شرکت‌های صحیح، شرکت عقدی در اموال بین دو نفر یا بیشتر است. تعاونی‌ها در شمار شرکت عقدی در اموال می‌باشند و اگر اموری از قبیل بلوغ، عقل، اختیار و... که در عقود مالی اعتبار دارند، در تعاونی‌ها رعایت شوند، از منظر اسلام صحیح خواهد بود. در تعاونی اگر مشارکین شرطی کنند که خلاف مقتضای عقد و نیز ناسازگار با موازین شرعی نباشد، آن عقد مشارکتی صحیح است (ر. ک: نجفی، ۱۳۹۴، ج ۲۶: ۲۸۴ به بعد؛ خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱: ۵۹۲ و ۵۹۳، مساله ۳، ۴ و ۵). بنابراین، در مدیریت تعاونی‌ها اگر همه اعضا با اختیار کامل بپذیرند که هر عضو تنها حق یک رای داشته باشد، نه خلاف مقتضای عقد و نه به امری که خلاف شرع باشد، ملتزم شده‌اند. همچنین، اگر در مدیریت تعاونی‌ها، افزون بر هر عضو یک رای، براساس ملاک تخصص و سابقه عضویت نیز تعدادی رای به اعضا اختصاص یابد، به دلایلی که گذشت، قطعاً بلا اشکال است.

۲. مسئولیت‌پذیری اعضا در برابر همدیگر. مسئولیت‌پذیری اعضا باعث می‌شود قوانینی که به مصلحت عموم مردم وضع می‌شود، توسط آنان رعایت شده و از نابسامانی‌ها جلوگیری گردد و نظم لازم استقرار یابد. ایجاد مسئولیت در اعضای شرکت تعاونی در صورتی ممکن است که اعضا احساس کنند به طور واقعی نظرات آنان در مدیریت تعاونی دارای اهمیت است. بنابراین، اگر حق رای افراد براساس میزان سرمایه آنان باشد، قطعاً میزان احساس مسئولیت اعضا کاسته می‌شود. در آموزه‌های دینی به مسئولیت‌های افراد در برابر هم فراوان تصریح شده است. رسول الله فرمود:

کلکم راع و کلکم مسئول عن رعیتہ (بخاری، ۱۹۸۱، ج ۱: ۱۶۰؛ مجلسی، ۱۳۷۴، ج ۷۵: ۳۸).

همه شما نگاهبانید و همه شما در برابر مردم مسئول هستید.

همچنین رسول الله در گفتار دیگری برای اهتمام به امور مسلمین فرمود:

من اصبح ولا یهتمّ بامور المسلمین فلیس منهم (محمد بن یعقوب کلینی؛ الاصول من الکافی؛ ج ۲: ۱۶۴).

هر کس صبح کند و به امور مسلمانان اهتمام نرزد، مسلمان محسوب نمی‌شود.

یکی از بسترهای اهتمام به امور دیگران در تعاونی‌ها آن است که افراد احساس کنند که

نظر آنان در امور مدیریتی اهمیت دارد که مصداق کامل تحقق آن، رای گیری به نحوی است که بیان شد.

۳. وحدت و همبستگی جامعه اسلامی در همه امور مطلوب و مورد تاکید آموزه‌های اسلامی است.

خدای متعال در قرآن تصریح می‌کند: واعتصموا بحبل الله جميعا ولا تفرقوا (آل عمران: ۱۰۳).

همگی به ریسمان الهی چنگ زنید و پراکنده نشوید.

مدیریت به نحوی که بیان شد، قطعا میزان وحدت، همبستگی و الفت اعضا را در اقتصاد تعاونی تقویت می‌کند.

### ۳. اصل سود محدود برای سرمایه (سود متناسب برای سرمایه)

ادله ذیل برای تعلق سود محدود به سرمایه ارایه می‌شود:

۱. اگر به سرمایه، بهره‌ای برابر با بهره حاصل از عرضه و تقاضای سرمایه در بازار داده شود یا مازاد دستمزد نیروی کار و سایر هزینه‌ها، سهم سرمایه و مالک آن باشد، سرمایه در مقابل نیروی‌های فعال، ترفیع شأن می‌یابد و این وضعیت خلاف فلسفه تاسیس اقتصاد تعاونی است. به تعبیر نویسنده کتاب اصول تعاون در دنیای معاصر: «پول و سرمایه در اقتصاد تعاونی باید همواره خدمتگزار باشد نه ارباب... بهره به میزان زیاد می‌تواند به یک قدرت برده سازی مبدل شود» (آبوتز، ۱۳۴۸: ۱۵). سرمایه‌داران با قدرت سرمایه، سرنوشت تولید و تولید کنندگان را تحت اختیار می‌گیرند. با قدرت پول تقاضای کاذب و کمبود مصنوعی ایجاد می‌کنند و سرنوشت انسان را رقم می‌زنند و تولیدات فراوان که باید در خدمت انسان و برای رفاه او باشد، وسیله‌ای جهت ایجاد مشکلات بیشتر برای انسان می‌شود. سرمایه‌داران بزرگ با احتکار مواد اولیه، جلوگیری از تولید و فروش کالاهای مشابهی که به وسیله بنگاه‌های کوچک‌تر عرضه می‌شوند و ارزان فروشی به میزان معین و در زمان محدود و سرانجام ورشکست کردن تولید کنندگان کوچک برای از میان بردن سایر بنگاه‌های تولیدی، انسان‌ها را به خدمت سرمایه درمی‌آورند (لاسر، ۱۳۵۰: ۷۷ و ۷۸).

با توجه به آنچه گذشت، اصل محدودیت سود سرمایه، حرکت به سمت ارزش دادن به انسان و نیروی کار است تا به سوی حاکمیت انسان در برابر پول و سرمایه گام برداشته شود.

۲. با محدودیت سود سرمایه، الگوی دموکراسی اقتصادی محقق می‌شود. ولی با

حاکمیت پول و سرمایه، دموکراسی در عرصه اقتصادی معنا نخواهد داشت. انسان‌ها در عرصه سیاسی با مشارکت در رای و بهره‌مندی از قدرت و توزیع آن از دموکراسی سیاسی برخوردار می‌شوند. همین‌طور باید با تنزل جایگاه سرمایه و ترفیع جایگاه انسان و تبدیل سرمایه به خدمتگزار واقعی برای همه انسان‌ها، به دموکراسی واقعی دست یافت. به قول شارل ژید اقتصاد تعاونی عبارت است از دموکراسی اقتصادی که انسان بر سرمایه پیروز می‌شود. یکی از اصول تحقق چنین دموکراسی اقتصادی، سود محدود به سرمایه در اقتصاد تعاونی است (مدنی، ۱۳۷۲: ۱۴۷). در واقع با محدودیت سود به سرمایه و توزیع مازاد بر آن، به نیروی‌های فعال اقتصادی، به جای سرمایه‌سالاری در روابط اقتصادی، مردم‌سالاری اقتصادی، تقویت می‌شود و حاکمیت همه نیروی‌های فعال در روابط اقتصادی محقق می‌گردد.

۳. اتحادیه بین‌المللی تعاون در بیست و سومین کنگره تعاونی در سال ۱۹۶۶ در گزارش خود در باره تفاوت‌های اساسی سیستم اقتصاد تعاونی با مؤسسات تجاری آورده است که هدف اصلی اقتصاد تعاونی ارزان ساختن ضروریات زندگی برای مصرف‌کنندگان و یا تامین یک زندگی شایسته برای تولیدکنندگان و سرانجام بنیانگذاری یک نظام اجتماعی بر مبنای انصاف برای توزیع ثروت و درآمد است. دنبال نمودن این اهداف تنها با تخصیص سود محدود به سرمایه و گرفتن حاکمیت و فرمانروایی از آن و سپردنش به انسان میسر می‌باشد (طالب، ۱۳۷۶: ۲۰۰).

### سود محدود از منظر تعالیم اسلامی

از منظر اسلام اگر قراردادی صحیح منعقد شود و افراد با رضایت و آزادی کامل، شروطی را به عنوان طرف قرارداد بپذیرند، در صورتی که این شروط خلاف مقتضای قرارداد و همچنین مخالف شرع مقدس اسلام نباشند، چنین قراردادی بلاشکال است. حتی اگر اعضای تعاونی یا افراد غیر عضو با آزادی و رضایت کامل سرمایه‌گذاری نمایند و در برابر سرمایه‌گذاری، مطلقاً متعهد به عدم دریافت سودی شوند، باز هم بلا اشکال است. در تایید آنچه بیان شد، روایاتی تصریح دارند که برادر مؤمن از برادر مؤمن خود در معاملات و قراردادها سود دریافت نمی‌کند و این امر در روایات به عنوان حق برادری نامیده شده است. امام صادق در روایتی فرموده است:

ریح المؤمن علی المؤمن رباً (حر عاملی، ۱۲۸۸، ج ۱۷، کتاب التجاره، باب ۱۰: ۲۹۷، ح ۳).

سود مؤمن از مؤمن دیگر ربا است.

حضرت در روایت دیگری تعبیر: «ربح المؤمن رباً»: «سود مؤمن ربا است» را دارد (حر عاملی، ۱۲۸۸، ج ۱۷: ۲۹۸، ح ۵).

البته، اطلاق گفتار امام در بیان دیگری تقیید شده (حر عاملی، ۱۲۸۸، ج ۱۷: ۳۹۷، ح ۴) و فقها روایات این موضوع را بررسی کرده و به این نتیجه رسیده‌اند که اخذ سود در عصر غیبت امام زمان حرام نبوده و تنها مکروه است (محمدحسن نجفی؛ جواهر الکلام: ۴۵۵). بنابراین، اگر طرف‌های قرارداد در تعاونی‌ها همه از مؤمنین باشند، شایسته است اصلاً سودی دریافت نکنند. در صورت دریافت سود، هر چه کمتر دریافت کنند، مطلوبتر است. بنابراین، براساس آنچه بیان شد، دریافت سود محدود با شرایط بیان شده، هیچ گونه اشکالی ندارد.

#### ۴. اصل مازاد برگشتی

در اقتصاد تعاونی بر اثر فعالیت‌های اقتصادی اعضا، درآمدی حاصل می‌شود. وقتی هزینه‌ها کسر گردند، ذخایر لازم انجام گیرد و سود محدودی به سرمایه تعلق گیرد، اقتصاد تعاونی ممکن است با سود ویژه مواجه شود. این سود ویژه بین اعضای تعاونی که در تولید آن نقش داشته‌اند، توزیع می‌گردد. بنابراین، به آن، مازاد برگشتی اطلاق می‌شود. در بنگاه‌های اقتصادی غیر تعاونی، سود حاصله، بین تعداد خاصی که صاحبان سرمایه باشند، توزیع می‌گردد. ولی در اقتصاد تعاونی این سود نصیب افرادی می‌شود که در ایجاد آن نقش داشته باشند. در اقتصاد تعاونی، اصل آن است که هیچ‌گونه مازاد درآمدی به وجود نیاید و فروش کالاها به قیمت تمام شده صورت گیرد. اما به دلایل ذیل تعاونی‌ها قادر به انجام چنین امری نیستند:

۱. فروش کالا به قیمت تمام شده ممکن است باعث تحریک بخش خصوصی و رقابت مخرب آنان را علیه تعاونی‌ها برانگیزاند.
۲. قیمت تمام شده که معمولاً از قیمت متعارف بازار پایین‌تر می‌باشد، موجب می‌گردد تا برخی از اعضا کالا را بیش از نیاز خود خریداری و در اختیار سایرین قرار دهند. این امر ممکن است مشکلاتی را برای تعاونی ایجاد کند.
۳. ممکن است برخی کالاها در انبار باقی بماند یا فاسد شود و یا از نظر وزن و کیفیت افت نماید. در این صورت فروش به قیمت تمام شده موجب ضرر و زیان می‌شود.

۴. سرشکن نمودن هزینه‌های شرکت تعاونی روی انواع کالاها و تعیین قیمت تمام شده هر یک از آنها، افزایش هزینه‌های حسابداری و مشکلات فراوانی را به دنبال دارد

(برای آشنایی بیشتر ر. ک: بکن، ۱۳۵۶: ۶۸-۶۶؛ طالب، ۱۳۷۶: ۲۳۶-۲۳۵؛ انصاری، ۱۳۸۳: ۱۷۵-۱۷۴).

بنابراین، تعاونی‌ها ناچارند از قیمت تمام شده عدول کنند و قیمت کالاهای خود را در حد قیمت متعارف بازار یا نزدیک به آن، عرضه نمایند. در واقع، خریدار کالا با خرید خود، مازادی به اندازه تفاوت قیمت تمام شده و قیمت خرید را ایجاد می‌کند. در حالی که هدف از تاسیس تعاونی، عدم پرداخت این مازاد توسط اعضای تعاونی است. بنابراین، مازاد ایجاد شده توسط اعضای تعاونی، در پایان سال مالی باید به نسبت معاملاتشان، به خود آنان برگشت داده شود. یا به اعضای تعاونی که به نسبت نقش و تاثیری که در تولید داشتند، توزیع می‌شود. در این امر اختلاف نظرات فراوانی وجود دارد که در جای خود باید بحث شود (طالب، ۱۳۷۶: ۲۱۹؛ انصاری، ۱۳۸۳: ۱۷۵-۱۷۴؛ وزارت تعاون و امور روستاها، ۱۳۵۲: ۱۵۹-۱۵۵).

##### ۵. اصل آموزش و اطلاع رسانی دائمی به اعضا

برای فعالیت‌های دسته‌جمعی که به دنبال اهداف مشخصی هستند و هر یک از افراد آن، وظایفی را به سمت اهداف بر عهده دارند، بدون آموزش و اطلاع‌رسانی کافی، وصول به اهداف، امکان‌پذیر نیست. یکی از اهداف اقتصاد تعاونی، ایجاد تغییرات مناسب در رفتار افراد جامعه به منظور رفع نیازهای زندگی از طریق همکاری و تفاهم دسته‌جمعی است. این تغییرات تنها از طریق آموزش امکان‌پذیر می‌باشد. رئیس اتحادیه بین‌المللی تعاون در اهمیت آموزش در تعاونی می‌نویسد: «گفته شده که تعاون نهضتی است اقتصادی که روش‌های آموزشی را به کار می‌برد، این بیان به همان اندازه صحیح است که بگوییم تعاون نهضتی است آموزشی که روش‌های اقتصادی را به کار می‌برد» (وزارت تعاون و امور روستاها، ۱۳۵۲: ۱۸۴). بنابراین، به لحاظ جایگاه، این اصل از اصولی است که ناظر به سایر اصول اقتصاد تعاونی می‌باشد. به تعبیر بوگاردوس از اندیشمندان اقتصاد تعاونی «آموزش وسیله‌ای است که اصول تعاونی را عمیقاً و به طور وسیعی به عمل درمی‌آورد» (بوگاردوس، ۱۳۵۲: ۹۳).

اهمیت اصل آموزش کاملاً از فلسفه تاسیس اقتصاد تعاونی ناشی می‌شود. آموزش انسان و اعضای تعاونی باعث می‌شود تا آنان به اصول و ارزش‌ها و ابعاد مختلف تعاونی اطلاع و آگاهی پیدا کنند، انواع حقوق و وظایف خود را بشناسند، تخصص خود را متناسب با پیشرفت‌های علمی افزایش دهند و روش‌های مدیریتی به خدمت گرفتن سرمایه را در شرایط مختلف اقتصادی فرا بگیرند. این نوع آموزش به یقین باعث

ترفیع جایگاه انسان در فرایند اقتصادی می‌شود و اقتصاد دانش‌بنیان شکل می‌گیرد.

### ضمانت اجرایی و قانونی اقتصاد تعاونی

ادعای این تحقیق آن است که با توجه به موفقیت قطعی تاریخی اقتصاد تعاونی واقعی و نیز مزایای جایگاه نظری آن در رفع فقر و ترفیع منزلت انسان و توسعه مالکیت‌ها و سهم شدن انسان در مدیریت و... می‌توان به شواهد ذیل مدعی شد که ضمانت اجرایی و قانونی آن نسبت به بخش خیرخواهانه محکم‌تر است و درعین‌حال نافی بخش خیرخواهانه و دو بخش دیگر اقتصاد نیست:

۱. فعالان اقتصاد بخش تعاونی از فعالیت اقتصادی خود سود و منفعت کسب می‌کنند، بلکه با توجه به ویژگی‌های بیان شده برای تعاونی‌های حقیقی، مجموع منافع حاصله در این نوع فعالیت، از دو بخش دیگر اقتصاد بیشتر خواهد بود. این امر هم باعث ورود افراد زیادتری به این بخش می‌شود و همچنین، دوام فعالیت‌های اقتصادی را نسبت به بخش اقتصاد بدون سود بیشتر می‌کند.

۲. پشتوانه معنوی و خیرخواهانه که در بخش اقتصاد بدون سود وجود دارد، تماما می‌تواند در اقتصاد بخش تعاونی نیز وجود داشته باشد. بلکه پایداری این انگیزه در اقتصاد بخش تعاونی بیشتر می‌باشد، چون سود مادی فعالان اقتصادی با اقدامات خیرخواهانه کاهش پیدا نمی‌کند و چه‌بسا ممکن است افزایش هم پیدا کند. زیرا اگر به انگیزه خیرخواهانه و بهره‌مندی سایرین، به توسعه فعالیت اقتصادی اقدام کنند و نیرو و سرمایه جدید جذب کنند، ممکن است بهره‌مندی خودشان نیز بیشتر شود. این امر یقیناً قوام و پایداری این اقدامات را بیشتر می‌کند.

۳. مهمترین عامل ضمانت اجرایی و قانونی در اقتصاد تعاونی، حمایت و نظارت اتحادیه تعاونی است. تمام فعالیت‌های اقتصادی هر صنفی تحت حمایت و نظارت اتحادیه‌های تعاونی همان صنف قرار می‌گیرند و تعاونی‌های صنوف مختلف تحت حمایت و نظارت اتحادیه تعاونی ملی قرار دارند و تمام اتحادیه‌های تعاونی ملتها تحت حمایت و نظارت اتحادیه بین‌المللی تعاون قرار می‌گیرند. اتحادیه‌های تعاونی، انواع حمایت از اقتصاد بخش تعاونی را بر عهده دارند. این حمایت‌ها از قبیل حمایت‌های بازاریابی، آموزش، اطلاع‌رسانی، مدیریتی و... هستند. در برابر این حمایت‌ها، فعالان اقتصاد بخش تعاونی نیز متعهد و مکلف به رعایت اصول و ارزش‌های تعاونی هستند. مکلف به عدم رقابت داروینستی با تعاونی‌ها و سایر بخشهای اقتصاد هستند. مکلف به پرهیز از رفتارهای انحصارگرانه اقتصادی می‌باشند. مکلف به رعایت تمام اموری

هستند که ضمن پیگیری منافع مادی خود، جایگاه انسان را در برابر سرمایه در فعالیت‌های اقتصادی ترفیع ببخشند و... (برای آشنایی بیشتر رجوع شود: وزارت تعاون و امور روستاها، ۱۳۵۲: ۲۴۸-۲۳۷؛ داویدویچ، ۱۳۴۷: ۲۶ و ۱۶۰؛ وزارت تعاون: ۱۳۷۷: ۱۵).

### ویژگی‌های اقتصاد تعاونی

اهم عناصری که بتوان اقتصاد بخش تعاونی را با سه بخش دیگر مقایسه کرد، عبارتند از: هدف فعالیت اقتصادی، وضعیت مالکیت، جایگاه انسان و سرمایه، اصل رفتاری، ارزش‌های اخلاقی، آزادی اقتصادی، مکانیسم قیمتگذاری.

۱. هدف تعاونگران از فعالیت اقتصادی رفع نیازهای خود و سایر اعضای تعاونی است.

۲. مالکیت در اقتصاد تعاونی مشاعی تام است.

۳. جایگاه انسان و نیروی کار در برابر سرمایه ترفیع می‌یابد و در مدیریت نقش اساسی دارد. میزان سرمایه هیچ نقشی در مدیریت آن ندارد و به آن سود محدود و متناسبی تعلق می‌گیرد.

۴. اصل رفتاری بر فعالیت‌های اقتصادی آن، تعاون در درون مدل و رقابت با بیرون مدل است. تعاونگران در اقتصاد تعاونی براساس اصل رفتاری تعاون با هم تعامل، ولی با بنگاه‌های اقتصادی بخش خصوصی سرمایه‌داری رقابت مسئولانه دارند. بدین وسیله هم از مزایای اصل رفتاری تعاون و نیز از آثار مثبت اصل رفتاری رقابت بهره‌مند می‌شوند.<sup>۱</sup>

۵. انحصار در فعالیت‌های اقتصاد تعاونی شکل نمی‌گیرد. چون عمل به اصول تعاونی مانع شکل‌گیری انحصار می‌شود.

۶. اصل آزادی مسئولانه بر فعالیت‌های اقتصاد تعاونی حاکم است. اعضای تعاونی ضمن بهره‌مندی از حق آزادی اقتصادی، مواجه با مسئولیت‌های اخلاقی و حقوقی هستند که اصول اقتصادی تعاونی بیان‌کننده آنها هستند و این مسئولیت‌ها در اقتصاد تعاونی نهادینه می‌شود.

۷. قیمت کالاهای تولیدی هرچند براساس عرضه و تقاضای بازار تعیین می‌شود، اما مازاد بر هزینه‌ها به عنوان مازاد برگشتی براساس میزان فعالیت به نیروی کار تعلق می‌گیرد نه سرمایه.

۱. برای آشنایی با اصل رفتاری رقابت مسئولانه رجوع شود به: کتاب نظام اقتصاد علوی، نوشته احمدعلی یوسفی.

۸. ارزش‌های اخلاقی همانند انصاف و فداکاری، در اقتصاد تعاونی نهادینه است.

### اقتصاد چهاربخشی

به‌عنوان نتیجه مباحث پیشین، این بحث ارایه می‌شود.

۱. با توجه به ویژگی‌های اقتصاد تعاونی، می‌توان آن را بخش دیگری از فعالیت‌های اقتصادی دانست. بنابراین، برای حل مشکل اصلی اقتصاد باید در پی اقتصاد مختلط چهاربخشی بود.

۲. اقتصاد خصوصی براساس مبانی نظام سرمایه‌داری نافی وجود اقتصاد دولتی و خیرخواهانه بود. اقتصاد دولتی براساس مبانی نظام سوسیالیسم، مطلقاً اقتصاد خصوصی را نفی می‌کرد. اقتصاد خیرخواهانه براساس مبانی اقتصاد سرمایه‌داری، رفتاری غیر عقلایی محسوب می‌شود و براساس مبانی سوسیالیسم هیچ جایگاهی ندارد. اما ضرورت‌های اقتصادی باعث شد تا برای حل مشکل اساسی اقتصاد، هر سه بخش در کنار هم پذیرفته شوند. اما اقتصاد تعاونی، از سویی انگیزه‌های فعالان اقتصاد بخش خصوصی را با نوعی تعدیل در خود جای داده است و از سوی دیگر ضمن حفظ استقلال، دولت را به کمک خود می‌طلبد و همچنین، با توجه به بنیانگذاری آن بر ارزش‌های اخلاقی، می‌تواند اهداف بخش اقتصاد اخلاقی را نیز تا حدی برآورده نماید. یعنی اقتصاد بخش تعاونی ضمن سازگاری با سه‌بخش دیگر، می‌تواند نقش مکمل برای آنها را داشته باشد و همچنین می‌تواند جایگزین بخشهای دیگر اقتصاد گردد.

۳. از آنجایی که رفاه عمومی و عدالت اقتصادی هدف نظام اقتصادی اسلام است (یوسفی، ۱۳۸۵: ۱۲۶-۱۰۱)، با توجه به اینکه اقتصاد بخش تعاونی نسبت به اقتصاد بخش خصوصی در وصول به این هدف بسیار موفق‌تر عمل می‌کند، لازم است دولت بر بخش خصوصی نظارت کامل نماید، اما همه امکانات اقتصادی خود را - ضمن حفظ استقلال اقتصاد بخش تعاونی - برای توسعه و حمایت این بخش به کار گیرد.



## فهرست منابع

- آبوتز، فرد و همکاران (۱۳۴۸) اصول تعاون در دنیای معاصر؛ ترجمه سازمان مرکزی تعاون کشور؛ تهران: سازمان مرکزی تعاون کشور.
- آلوی، جیمز (۱۳۸۴) تاریخچه‌ای از علم اخلاق در جایگاه علمی اخلاقی؛ ترجمه علی نعمتی؛ فصلنامه تخصصی اقتصاد اسلامی، ش ۱۹.
- اموری، بوگاردوس (۱۳۵۲) تعاون و اصول اولیه آن؛ ترجمه وزارت تعاون و امور روستاها؛ ش ۹۳، تهران: وزارت تعاون و امور روستاها.
- انصاری، حمید (۱۳۸۳) مبانی تعاون؛ تهران: دانشگاه پیام نور.
- اوایل، پل روی (۱۳۴۹) شرکت‌های تعاونی وضع فعلی و آینده آنها؛ ترجمه سازمان مرکزی تعاون کشور.
- بخاری، محمد بن اسماعیل (۱۹۸۱م) صحیح البخاری؛ دارالفکر.
- بیو، والدن (۱۳۷۶) پیروزی سیاه؛ ترجمه احمد سیف و کاظم فرهادی؛ تهران: انتشارات نقش جهان.
- بازارگارد، بهاء‌الدین (۱۳۸۲) تاریخ فلسفه سیاسی؛ ج ۳، تهران: انتشارات زوار، چ ۵.
- تفضلی، فریدون (۱۳۷۵) تاریخ عقاید اقتصادی (از افلاطون تا دوره معاصر)؛ تهران: نشر نی، چ ۲.
- تیرل وال، ا. پ (۱۳۷۸) رشد و توسعه؛ ترجمه منوچهر فرهنگ و فرشید مجاور حسینی؛ تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- چپرا، محمدعمر (۱۳۸۴) اسلام و چالش اقتصادی؛ ترجمه سیدحسین میرمعزی و همکاران؛ تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- حر العاملی، محمد بن الحسن بن علی بن محمد (۱۲۸۸ق) وسایل الشیعه؛ چاپ سنگی، سید محمود بن السید هاشم الموسوی الخوانساری.
- خمینی، روح الله (۱۳۷۹) تحریر الوسیله؛ تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- راسل، برتراند (۱۳۵۷) جهانی که من می‌شناسم؛ ترجمه روح الله عباسی؛ تهران: انتشارات جیبی.
- روزدل پالمر، رابرت (۱۳۸۳) تاریخ جهان نو؛ ج ۲، ترجمه ابوالقاسم طاهری؛ تهران: انتشارات امیر کبیر.
- ژید، شارل و شارل ریست (۱۳۷۰) تاریخ عقاید اقتصادی؛ ج ۱ و ۲، ترجمه کریم سنجابی؛ تهران: دانشگاه تهران.

سن، آمارتیا (۱۳۷۷) اخلاق و اقتصاد؛ ترجمه حسن فشارکی؛ تهران: نشر شیرازه.  
شارون، جوئل (۱۳۷۹) ده پرسش از دیدگاه جامعه‌شناسی؛ ترجمه منوچهر صبوری؛ تهران: نشر  
نمی.

شریف‌الرضی، محمدبن حسین (۱۳۷۸) نهج البلاغه؛ ترجمه جعفر شهیدی؛ تهران:  
شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چ ۴.  
گزارش توسعه انسانی بانک جهانی (۱۹۹۵) ترجمه صالح نسب، غلامحسین؛ مجله  
جهاد، سال ۱۵، ش ۱۸۰ و ۱۸۱.  
طالب، مهدی (۱۳۷۶) اصول و اندیشه‌های تعاونی؛ تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ  
دانشگاه تهران.

عبادی، جعفر (۱۳۷۲) مباحثی در اقتصاد خرد؛ تهران: انتشارات سمت، چ ۲.  
عسگری، علی و حمید رضا اشراف زاده (۱۳۶۹) بررسی جایگاه تعاون در بازرگانی  
خارجی کشور؛ تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، چ ۲.  
فرزانه، عبدالحمید؛ مجموعه مقالات دومین همایش مردم‌سالاری دینی در رویکردی  
تطبیقی و کاربردی؛ مقاله مردم‌سالاری دینی جبران‌کننده نارسایی‌های دموکراسی  
لیبرال؛ چ ۲.

فروم، اریک (۱۳۸۵) جامعه سالم؛ ترجمه اکبر تبریزی؛ تهران: انتشارات بهجت، چ ۴.  
فرسون، سی بی مک (۱۳۶۹) جهان حقیقی دموکراسی؛ ترجمه مجید مددی؛ تهران:  
نشر البرز.

قدیری اصلی، باقر (۱۳۷۶) سیر اندیشه‌های اقتصادی؛ تهران: انتشارات دانشگاه تهران،  
چ ۹.

کاپلستون، فردریک (۱۳۷۵) تاریخ فلسفه (فیلسوفان انگلیسی)؛ چ ۵، ترجمه امیر  
جلال‌الدین اعلم؛ تهران: سروش، چ ۳.

کالن، هوراس (۱۳۵۰) نشیب و فراز قدرت مصرف‌کننده؛ ترجمه سازمان مرکزی  
تعاون کشور؛ تهران: سازمان مرکزی تعاون کشور.

کلینی الرازی، ابی جعفر محمد بن یعقوب بن اسحاق؛ الاصول من الکافی؛ تعلیق علی  
اکبر الغفاری؛ تهران: دارالکتب الاسلامیه، چ ۴.

کمبرلی و رابرت کراپ (۱۳۸۵) اصول و رویکردهای تعاون در قرن بیست و یکم؛  
ترجمه مرجانه سلطانی؛ تهران: انتشارات وزارت تعاون (معاونت تحقیقات، آموزش  
و ترویج).

لاسر، ژرژ (۱۳۵۰) تعاونی‌ها در برابر کارتل‌ها و تراست‌ها؛ ترجمه وزارت تعاون و امور

- روستاها؛ ش ۶۰، تهران: وزارت تعاون و امور روستاها.
- مجلسی، محمد باقر (۱۳۷۴) بحار الانوار؛ تهران: انتشارات اسلامی، چ ۳.
- مدنی، علی اکبر (۱۳۷۲) تعاونی راهی به جامعه سالم؛ تهران: انتشارات وزارت تعاون.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۰) القواعد الفقہیة؛ قم: مدرسه الامام امیرالمومنین.
- میرمعزی، سید حسین (۱۳۸۲) سیستم تجهیز و تخصیص منابع در اقتصاد بدون سود؛ مجموعه مقالات سومین همایش دوسالانه اقتصاد اسلامی؛ تهران: انتشارات پژوهشکده اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس.
- نجفی، محمدحسین (۱۳۹۴ ق) جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام؛ تهران: دارالکتب الاسلامیه، چ ۶.
- نمازی، حسین (۱۳۸۲) نظام‌های اقتصادی؛ تهران: شرکت سهامی انتشار.
- هیوت، تام و همکاران (۱۳۷۷) صنعتی شدن و توسعه؛ ترجمه طاهره قادری؛ تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.
- واریان، هال (۱۳۷۸) تحلیل اقتصادی خرد؛ ترجمه رضا حسینی؛ تهران: نشر نی.
- وزارت تعاون و امور روستاها (۱۳۵۲) مجموعه گفتارهای تعاونی؛ نشریه ۸۵، تهران: انتشارات وزارت تعاون و امور روستاها.
- وزارت تعاون (معاونت پشتیبانی و امور مجلس) (۱۳۷۷) قانون بخش اقتصاد جمهوری اسلامی ایران با اصلاحات؛ تهران: وزارت تعاون.
- ویچ، داوید (۱۳۴۷) بسوی دنیای تعاون؛ تهران: انتشارات سازمان مرکزی تعاون کشور.
- یوسفی، احمدعلی (۱۳۸۵) ابهام در اهداف نظام اقتصادی و ساماندهی آن؛ فصلنامه اقتصاد اسلامی؛ ش ۲۳، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- یوسفی، احمدعلی (۱۳۸۶) نظام اقتصاد علوی؛ تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.